

## بررسی عناصر تجسمی تأثیرگذار بر مشروعیت طلبی مغولان در هنر دوره ایلخانی

مقاله پژوهشی (صفحه ۱۵۶-۱۳۷)

سید محمود حسینی ده میری<sup>۱</sup>، زهرا باقرزاده کوهبنانی<sup>۲</sup>، نازنین زهرا سادات حسینی<sup>۳</sup>

۱- دکتری پژوهش هنر، مدرس دانشگاه فرهنگیان اصفهان، پردیس شهید باهنر، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد، معلم اداره آموزش و پرورش اصفهان.

۳- دانشجوی کارشناسی نقاشی دانشگاه باهنر کرمان، ایران.

DOI: 10.22077/NIA.2025.7511.1843

### چکیده

استیلای قوم مغول بر ایران لطمات زیادی به فرهنگ و تمدن ایرانی وارد نمود. ترس و وحشت ایجاد شده از کشتار مغولان تا سالها از میان نرفت و چهره‌ای سنگدل از مغولان به جای گذاشت. آنان پس از آنکه با زور شمشیر بر مخالفان فائق آمدند، ناگزیر به اجرای سیاست‌هایی شدند که مشروعیت و مقبولیت آن‌ها را تأمین کند. آنها از روش‌های مختلفی برای تحقق اهداف خود استفاده نمودند که باعث ایجاد ثبات اجتماعی و سیاسی در این دوره گردید. هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل تجسمی مختلفی است که ایلخانان جهت مشروعیت‌بخشی به خود در این دوره مورد استفاده قرار دادند. سوال اصلی این پژوهش این است که: چگونه و با استفاده از چه ترفندهای تجسمی، مغولان در فرهنگ ایرانی پذیرفته شدند و توانستند مشروعیت لازم برای حکومت بر ایرانیان را کسب کنند؟ روش انجام تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مشروعیت بخشی به ایلخانان عمدتاً در قالب دو رویکرد: توجه به ارزش‌های دینی و باورهای فرهنگی صورت گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** مشروعیت‌بخشی، هنر ایلخانی، هنر مغول، ایلخانان، شرایط سیاسی و اجتماعی.

1- Email: smhdehmiri@yahoo.com

2- Email: Z\_bagherzadeh1987@gmail.com

3- Email: nazaninhosseini246@gmail.com

## ۱- مقدمه

پس از ورود اسلام به ایران حکومت‌های اسلامی-ایرانی پیوسته دغدغه کسب مشروعیت و مقبولیت در بین مردم را داشتند. در پاسخ به این نیاز اقدامات کم و بیش مشابهی در طول حکومت‌های مختلف صورت گرفت که در همه آن موارد سعی می‌شد مشروعیت حکومت تازه تأسیس به نوعی با مقبولیت حاکمان و خلفای پیشین پیوند داده شود. سامانیان برای مشروعیت‌یابی حکومتشان به تبارگرایی روی آوردند و خود را از بازماندگان بهرام چوبین جنگاور دوره ساسانی معرفی نمودند (خواندمیر، ج ۲: ۳۵۲) و (آژند، ۱۳۸۷: ۱۲۰). البته آنان ارتباط با خلافت عباسی را هم مغفول نگذاشتند. آل بویه خود را به شاهان پیش از اسلام وصل نکردند اما تمام سعی و تلاش خود را برای احیای سلطنت پیش از اسلام بکار بردند و نسب خود را به بهرام گور رساندند (ابن خلدون، ۱۳۵۹، ج ۲: ۳۵۲). غزنویان با متصل نمودن خود به خلافت عباسی (گرابر، ۱۳۹۰: ۴۳) و رساندن تبار خود به ساسانیان (ساجدی و خسروبیگی، ۱۳۹۸: ۳۴) به حکومت خود مشروعیت بخشیدند. در ادامه سلجوقیان برای برطرف نمودن مسئله مشروعیت حکومت از همان ابتدا از خاندان‌های ایرانی برای امور دیوانی استفاده نمودند و تشکیلات حکومتی و وزارت را به آنها واگذار نمودند (لمبتون، ۱۳۸۲: ۳۲۲؛ پاکباز، ۱۳۷۹: ۵۶). وجه مشترک اعتقادی در تمامی این حکومت‌ها باور به این اصل بود که سلطان دارای قره ایزدی است و یکی از ویژگی‌های وی ایجاد عدالت در بین مردم است. به هر تقدیر در دوره سلجوقی برخورد دو رویکرد نظری سیاسی-مذهبی در مقوله خلافت و سلطنت به اوج خود رسید. گروهی از اندیشمندان همچون نظام‌الملک، غزالی و ماوردی در پی سازش این دو نظریه بودند تا از اختلاف و تنش بین خلیفه و سلطان کم کنند. طبق نظریه آنها خلیفه می‌بایست سلطان را که قدرت دنیایی را در دست داشت تأیید می‌کرد و با فرستادن خلعتی فاخر و شاهانه قدرت او را مشروع می‌ساخت. درسوی مقابل سلطان هم خلیفه را که قدرت روحانی در اختیار داشت، تأیید و از تجاوز به حیطة قدرت او پرهیز می‌کرد (بیهقی، ج ۲: ۵۶۱ تا ۵۶۳) و (آژند، ۱۳۸۷: ۱۲۰). بدین ترتیب خلافت مشروعیت سلطنت را

تأمین می‌کرد و سلطنت هم پاسدار قلمرو خلافت می‌شد. علی‌رغم این تلاش‌های نظری و به گواهی تاریخ، در این دوران چنانچه سلطان مجالی برای کسب قدرت می‌یافت سعی در کم کردن قدرت خلیفه داشت و بالعکس (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۷۶). در دوره سلجوقی نیز این تنش بین سلطان محمد خوارزمشاه و خلیفه الناصرالدین الله به اوج خود رسید (بنداری، ۱۳۳۱: ۲۱۲) و (آژند، ۱۳۸۷: ۱۲۰). اختلاف بین این دو نهاد قدرت اسباب پیروزی مغولان بر خوارزمشاهیان را فراهم نمود. در دوره ایلخانی سیاست مشروعیت طلبی و کسب مقبولیت در بین عموم، توسط مغولان دنبال شد و آنها از شگردهای مختلف برای کسب مشروعیت استفاده نمودند. هدف تحقیق حاضر: معرفی رویکردهای مختلفی است که با هدف مشروعیت بخشی به حکومت ایلخانان در این دوره مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش به این سوالات پاسخ داده خواهد شد ۱- ایلخانان از چه رویکردهایی برای کسب مشروعیت در دوران حکومت خود در ایران بهره بردند؟ ۲- وزراء، سیاستمداران و دیوانسالاران ایرانی دوره ایلخانی از همسان‌انگاری پادشاهان مغول با اساطیر و پهلوانان ایرانی چه هدفی را دنبال می‌کردند؟ مسئله مشروعیت طلبی حاکمان ایلخان دارای جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، تاریخی و مذهبی بوده که در این پژوهش تلاش خواهد شد تا این جنبه‌ها در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد و این موضوع بر ضرورت پژوهش حاضر می‌افزاید.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر بنیادی نظری و به شیوه توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تاریخی انجام شده است و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با یادداشت برداری کاغذی صورت گرفته است. این مقاله به بررسی و پی‌جویی ریشه‌های تجسمی استفاده شده در دوره ایلخانی می‌پردازد که جهت نشان دادن مشروعیت حکومت مغولان در ایران عهد ایلخانی مورد استفاده قرار گرفته است. در ابتدای بحث، توسل به پادشاهان با فرهنگ و هنر ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه روش‌های مختلف کسب مشروعیت همچون استفاده از قره ایزدی، توسل به پهلوانان و اساطیر، استفاده از شاهنامه

تطبیقی تزئینات هندسی محراب‌های گچ‌بری دوره سلجوقی با محراب‌های گچ‌بری دوره ایلخانی در ایران» به مطالعات تطبیقی تزئینات هندسی محراب‌های گچ‌بری دوره ایلخانی با محراب‌های دوره سلجوقی می‌پردازد و نوع تزئینات در این محرابها را مشخص می‌نماید و این محرابها را نمونه‌ای برای نشان دادن قدرت سیاسی ایلخانان می‌داند. شمسی، شاطری، احمدی، (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل فرآیند مشروعیت‌سازی بر سکه‌های ایلخانی بین سال‌های ۶۵۷-۷۳۶ هجری قمری" به بررسی فرایند مشروعیت‌سازی ایلخانان در قالب شعارهای مغولی، ایرانی و اسلامی به واسطه مفاهیمی بر مبنای منابع قانونی-عقلانی، سنت و کاریزما پرداخته‌اند. طبق یافته‌های این پژوهش، مفاهیم استفاده شده در ضرب سکه‌های دوره ایلخانی از رقابتهای سیاسی داخلی و خارجی دوره هر ایلخان تبعیت کرده است. اسلام پرست (۱۳۸۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی تصویری اسطوره‌های شاهنامه بزرگ ایلخانی"، به بررسی داستان‌های اسطوره‌ای به تصویر در آمده در این نسخه شاهنامه از منظر اسطوره‌شناسی پرداخته است و اسطوره‌هایی چون رستم و اسفندیار و نقش و چگونگی نمایش آنان در نگاره‌های شاهنامه بزرگ ایلخانی را مورد بررسی قرار داده است. شمسی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "تحلیل الگوی کسب مشروعیت ایلخانان بر اساس داده‌های منقول باستان‌شناسی" به بررسی داده‌های باستان‌شناسی همچون سکه‌ها، متون، مهرها و سفالینه‌های دوره ایلخانی پرداخته است و به این نتیجه گیری می‌رسد که کسب مشروعیت در این دوره بر اساس منابع سنتی (ایرانی-مغولی) و قانونی-عقلانی بوده است و از دوره غازان خان منابع مشروعیت ساز مغولی مرتبط با خان بزرگ کمرنگ شده است.

مقاله حاضر با دیدگاهی متفاوت (جامع و فراگیر) نسبت به پژوهش‌های پیشین سعی در پیدا نمودن عوامل مختلف مشروعیت‌طلبی و مقبولیت‌یابی مغولان در دوره ایلخانی دارد و با بررسی جنبه‌های تصویری هنر دوره ایلخانی و تأکید بر فرهنگ و هنر این دوره، ریشه‌های تصویری برگرفته شده از هنر ایران باستان را که در هنر دوره ایلخانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند را مشخص می‌نماید.

و تاریخ، بهره‌گیری از مشروعیت دینی و استفاده از مذهب، جانمایی آیات خاص در محراب مساجد و مشروعیت طلبی با استفاده از سکه‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد تا از تأثیرگذاری یا عدم تأثیرگذاری آن‌ها بر مشروعیت حکام مغول در ایران عهد ایلخانی مطلع شویم. نمونه‌های تصویری ارائه شده گزینشی و شیوه تجزیه و تحلیل مورد استفاده در این مقاله به صورت کیفی است.

### پیشینه تحقیق

بهروزی پور و امیرحاجلو (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان: نقش و کارکرد نگارگری در مشروعیت مذهبی حکومت ایلخانان با بررسی نمادهای شیعی در نگارگری‌های جامع التواریخ رشیدی و آثار الباقیه بیرونی، به مطالعه ویژگی‌ها و مضامین شیعی در نگارگری ایلخانی و تبیین رابطه حاکمیت مشروع ایلخانی و نگارگری شیعی می‌پردازند درحالی که مقاله حاضر بر روی شاهنامه بزرگ ایلخانی تمرکز دارد. مقاله نیکخواه (۱۳۹۱) تحت عنوان: واکاوی رازهای تداوم هزار ساله تصویر بهرام گور و آزاده، به مسأله غرض ورزی سیاسی حاکمان برای استفاده از نقش بهرام تأکید می‌کند که بر جنبه زیبایی‌شناسانه آن برتری دارد این مقاله به بهره‌وری پادشاهان از نقش بهرام جهت مقاصد سیاسی تأکید دارد. سلیمانی کوشکی، طاهری و صابر (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان: "تحلیل روایت‌شناختی نگاره «بر تخت نشستن اسکندر» در شاهنامه بزرگ ایلخانی بر پایه الگوی نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر"، به بررسی این نگاره در شاهنامه بزرگ ایلخانی پرداخته‌اند و دگردیسی میان متن و تصویر در شکل‌گیری این نگاره مورد بررسی قرار داده‌اند و در انتها به این نتیجه می‌رسد که ایلخانان از به تصویر کشیدن اسکندر در شاهنامه قصد ایجاد همانندی میان شاهان ایلخان و اسطوره اسکندر داشته‌اند. در مقاله تحلیل ویژگی‌های مضمونی-بصری و ساختاری در محراب‌های زرین فام دوره ایلخانی نوشته زهدی و فرخ‌فر (۱۳۹۷) به محراب‌های زرین فام دوره ایلخانی پرداخته می‌شود و پس از شناسایی این محرابها، ویژگی‌های ساختاری محراب‌های این دوره مورد تحلیل قرار می‌گیرد و هدف‌های سیاسی را در ایجاد این محرابها در دوره ایلخانی متذکر می‌شود. مقاله تقوی (۱۳۹۸) با عنوان «مطالعه

## ۲- مشروعیت و مقبولیت شاهان مغول با توسل به هنر و فرهنگ

میزان رضایت‌مندی شهروندان از یک حکومت با میزان مشروعیت آن نظام، نسبتی مستقیم دارد و حکومت‌ها بخش مهمی از مشروعیت خود را در قالب خلق آثار هنری پرتعداد و حمایت از هنرمندان دنبال می‌کنند (عکاشه، ۱۳۸۰: ۵۴). ایلخانان به خوبی به این موضوع پی برده بودند و با حمایت از توسعه علوم مختلف، توجه به دین، احترام و پاسداشت علما و استفاده از وزرای ایرانی سعی در افزایش مقبولیت عمومی خود در میان ایرانیان داشتند. در این راه بیش از هر چیز داستان‌های شاهنامه مورد توجه مغولان قرار گرفت تا با همسان جلوه دادن فرمانروایان مغول با شاهان پرشکوه ایران به هدف کسب مشروعیت آنان کمک کند (سودآور، ۱۳۸۰: ۳۶).

دیوانسالاران و وزیران ایرانی با استفاده از کنیه‌ها والقبای همچون شاه ایران، شاهنشاه، خسرو ایران‌زمین و وارث ملک کیان برای ایلخانان سعی در ایجاد مشروعیت برای پادشاهان مهاجم مغول داشتند. آن‌ها با استفاده از منابع گوناگون نظیر اشعار حماسی فردوسی به گونه‌ای هوشمندانه این القاب را از سنت‌های قدیمی ایران استخراج و استفاده نمودند (نیولی، ۱۳۸۷: ۲۲۸). این تلاش‌ها ایلخانان مغول را تا مقام شاهی بالا برد و آنان را در رسیدن به تاج و تخت شاهی مستحق جلوه دادند. شاهان مغول نیز با حمایت از تاریخ‌نویسی و شاهنامه‌نگاری، خود را به عنوان نوادگان پادشاهان افسانه‌ای، قهرمانان حماسی و پهلوانان اساطیری ایران معرفی و به تصویر کشیدند و داستان‌های حماسی ایران را با تاریخ مغول متصل نمودند (آدامور و گیوزالیان، ۱۳۸۸: ۱۲). وجه حماسی شاهنامه فردوسی باعث شد که این کتاب ارزشمند برای حاکمان مغول ایران جذاب و دلنشین به نظر بیاید. آنان که با جنگاوری و خونریزی بر ایران مسلط شده بودند خود را در نقش شاهان اسطوره‌ای و پهلوانان شاهنامه تصور می‌کردند. از سوی دیگر مغولان با قرار دادن خود در جایگاه این پهلوانان می‌توانستند مشروعیت و مقبولیت لازم برای استمرار حکومتشان را در میان ایرانیان بدست آورند. بر این اساس و مطابق با فرهنگ اساطیری ایران قرارگیری در جایگاه پادشاه، مغولان را برآن می‌داشت که جانب انصاف را در امور رعایت نمایند تا قره ایزدی آنان را ترک

نمایند و به واسطه آن اعتباریافته و پیوسته مقدس شمرده شوند. وزراء و دیوانسالاران ایرانی در تعریف چنین جایگاهی برای ایلخانان از تمام توان و تلاش خود بهره بردند. از مهمترین این وزراء می‌توان به خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و خاندان جویینی اشاره نمود. اینان با اشتغال در دستگاه ایلخانان سبب آشنایی مغولان با اسلام و رسوم ایرانی را فراهم کردند (بنی احمد، ۱۳۴۶: ۱۲۰).

برای تبدیل ایران دوره ایلخانی به یک امپراطوری بزرگ جهانی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر غازان خان، ایلخانان را وارث مشروع امپراطوری اسلامی ایرانی معرفی نمود. او قیمومیت و سرپرستی دیگر سلسله‌های مغولی بر ایلخانان ایران را نفی کرد و بر استقلال ایران پای فشرد. در پی این تحولات اولجایتو "السلطان الاعظم" نامیده شد. در ادامه تلاش برای تبلیغ و نمایش این امر، اجرای پروژه تاریخ مغول در شاهنامه را سهولت بخشید (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۷). کتاب‌هایی همچون جامع‌التواریخ (نوشته خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی) که تصاویری از چنگیزخان مغول و اعقاب وی را نمایش می‌دهد، با هدف برقراری پیوند میان مغولان با پادشاهان پیشین نگارش شده‌اند (عکاشه، ۱۳۸۰: ۹۲). در این آثار با استفاده از چهره‌سازی شاهان مغول نام و یاد آنان جاودانه و مشروع شده است. رشیدالدین برای آراستن کتاب جامع‌التواریخ و نگاره‌های این کتاب از همکاری برجسته‌ترین نقاشانی که به تیریز فراخوانده بود استفاده کرد. او انواع تصاویر و منابع تاریخی مورد نیاز را برای راهنمایی آنها در اختیارشان قرار داد تا همان دقتی که برای گردآوری متون تاریخی کتاب بکار برده بود در مصورسازی آن نیز بکار رود. رشیدالدین فضل‌الله همدانی در کتاب جامع‌التواریخ سعی کرده تا دولت نوپای مغول را ادامه دولت اسلام جلوه دهد و خلأ ناشی از سقوط خلافت حکومت عباسیان را به دست هولاکو پر کند (عکاشه، ۱۳۸۰: ۱۱۰-۱۱۱). وی حکومت مغولان را نتیجه طبیعی جبر تاریخ و استمرار دین و دولت اسلام می‌شمارد.

در ادامه اقداماتی نظیر تصویرگری و استنساخ شاهنامه توانست فاصله بین مردم و حکومت ایلخانی را حتی بیش از پیش کاهش دهد و بر این مقبولیت بیفزاید. هنر به عنوان ابزاری مشروعیت‌ساز و هم به عنوان ابزاری هویت‌بخش در

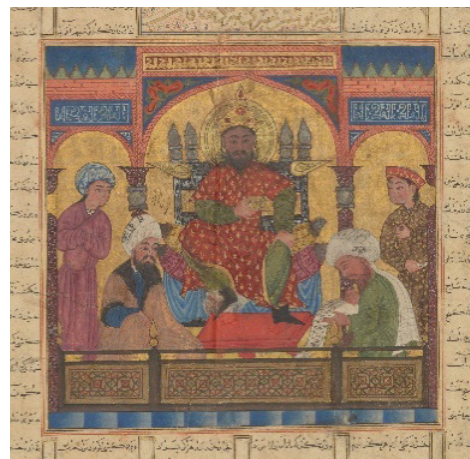


تصویر شماره ۲: تاج‌گذاری شاه زو، (پسرطهماسب)، مأخذ تصویر: (carboni and Komaroff, 2002, p 41)

### ۳- مشروعیت طلبی با استفاده از قره ایزدی

در شمایل‌نگاری ایرانی، قره ایزدی با توجه به انسان‌شناسی زرتشتی اهمیت ویژه و ممتاز می‌یابد و این قره شمایل فرمانروایان و مغان ایران قدیم را چون هاله‌ای احاطه می‌کند. (مددیور، ۱۳۸۳: ۱۶۵). باز نمود تصویری هاله از دوره ساسانی در نقش برجسته‌ها و حجاری‌های ایران باستان دیده می‌شود و مانویان نمایش قره الهی را به صورت تصویری با نمایش هاله دور سر اشخاص با طلا و نقره به تصویر می‌کشیدند (تجویدی، ۱۳۵۴: ۳۱). این روند در حکاک‌ها، گچبری‌ها، نقاشی دیواری، تصویرسازی و نگارگری دوره‌های بعدی تا دوره ایلخانی ادامه یافت. هاله در اوایل هنر اسلامی به شکل دایره و مانند شکل هاله در هنر بیزانس ترسیم می‌شد و سپس با گذشت زمان تحت تأثیر نمونه چینی و آسیایی آن قرار گرفت و در آخر به صورت هاله نورانی در آمد (عکاشه، ۱۳۸۰: ۹۲). استفاده از هاله دور سر شاه، در دوره ایلخانی برای مشروعیت بخشی برای سلطان ایلخان استفاده شده است و بدین شکل ایلخان مغول همپایه پادشاهان ایران باستان عظمت و بزرگی می‌یابد. تصویر شماره ۳ و ۴، نمود تصویری هاله دور سر شاه، در نگاره‌های شاهنامه بزرگ ایلخانی را نشان می‌دهد. در هنر ایلخانی، هاله دور سر برای مشخص کردن و تأکید بر شخص پادشاه و نشان دادن قداست و مسئولیت الهی وی مورد استفاده قرار گرفت. این کاربرد مشابهت زیادی با استفاده از هاله دور سر در هنر دوره ساسانی دارد.

دوره ایلخانی به بهترین وجه با حمایت وزیران و دیوانسالاران ایرانی مورد استفاده قرار گرفت. مهم‌ترین هدف در این استفاده هوشمندان از هنر، سامان‌دهی مشروعیت ایلخانان و تثبیت آن‌ها به عنوان جانشین خدا و حاکمانی خیر و بخشنده بود (شکرپور و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۷). هنرمندان دوره ایلخانی با انطباق رویدادهای دوره ایلخانی و صحنه‌های مشابه آن در آثار به جا مانده نظیر شاهنامه با هوشمندی تمام، بر ضعف‌ها و ناتوانی‌های دولت ایلخانی سرپوش گذاردند. آنان با جانمایی نژاد مغول به جای بزرگان و اقوام ایرانی سعی در باورپذیری برتری مغولان و شجره‌سازی برای آنها داشتند. هنرمندان نگارگر با انتخاب نگاره‌هایی که تداوم پادشاهی اساطیری ایرانیان توسط مغولان را به نمایش می‌گذاشت تلاش نمودند تا با ایجاد این همانی در باور ایرانیان به اعتبار حکومت ایلخانی و مقبولیت این خاندان کمک کنند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۵). تصویرگری شاهنامه ابزار مفیدی برای مشروعیت‌بخشی ایلخانان و همذات‌پنداری آنها با شاهان ایران باستان بود. برای این منظور، هنرمندان با قرار دادن ایلخانان در جایگاه تصویری پادشاهان عادل و فرهنگ دوست ایران باستان، اعتماد عمومی به ایلخانان را افزایش دادند تا فاصله بین حاکمان مغول به عنوان قوم بی‌ریشه و ایرانیان با فرهنگ کم‌گردد. نمایش ایلخانان در مضمون‌هایی همچون شکار، شاهان بر تخت نشسته و پهلوانان نامی ایران باستان به گونه‌ای انتخاب شده‌است تا به یک سلسله در حال زوال و نابودی جانی دوباره ببخشد و آن را به عظمت تاریخی ایران مرتبط کند. (تصاویر شماره ۱ و ۲).



تصویر شماره ۱: سخن گفتن بهرام گور با نرسی، مأخذ تصویر: (URL1)



در صورت دوری گزیدن از مسیر عدالت و انصاف، فرّه ایزدی آنها را ترک خواهد کرد (رضی، ۱۳۸۱: ۸۷۶). (تصاویر شماره ۵ و ۶)، وجود فرّه را به صورت هاله دور سر در گچ بری‌های دوره ساسانی نشان می‌دهد.



تصویر شماره ۵: سوارکار سوار بر گوزن (URL2).



تصویر شماره ۶: نقش برجسته شکار گراز توسط پادشاه ساسانی (URL3)

#### ۴- مشروعیت طلبی با توسل به اسکندر

داستان اسکندر مقدونی (اسطوره ایرانی-رومی) از نخستین روایت‌هایی بود که تصاویرش با هدف القای این‌همانی توسط مغولان مورد استفاده قرار گرفت. چنگیزخان و جانشینانش به عنوان فرمانروایانی غاصب، جهانگشا و جنگجو شباهت‌های بسیاری با اسکندر داشتند. پیشینه پذیرش مشروعیت چهره‌ای قهار همچون اسکندر توسط فرهنگ و هنر ریشه‌دار ایرانی، توجه ایلخانان را به خود جلب نمود. آنها سعی کردند با قرار دادن خود در نقش اسکندر نوعی مقبولیت برای خود ایجاد نمایند و افکار عمومی را برای پذیرش ایلخانان به عنوان پادشاهان جدید ایران آماده کنند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۴).

بدون شک در زمان اسکندر نیز مسئله تفویض و واگذاری



تصویر شماره ۳: قسمتی از نگاره بهرام گور و گاو روستایی، شاهنامه بزرگ ایلخانی (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۹).



تصویر شماره ۴: قسمتی از نگاره سخن گفتن بهرام گور با نرسی، شاهنامه بزرگ ایلخانی (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۱).

بنا بر تفکر باستانی ایران، شاه نماینده خداوند بوده و باید صفات نیکویی همچون عدل و داد، دیانت، مروّت، مشورت‌پذیری، سخاوت و آبادگری را دارا باشد. تا زمانی که شاه این صفات را داشته باشد مردم موظفند از وی اطاعت کنند چرا که فرّ ایزدی (که نوعی اعتبار حاکمیت از جانب خداست) وی را در بر گرفته است. ولی چنانچه شاه از مسیر دیانت و عدالت خارج می‌شد فرّ شاهی نیز او را ترک می‌کرد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۹). به بیانی دیگر فرّه یا خورنه یک نیروی الهی بود که از سوی خداوند به افراد برجسته اهدا می‌شد و فرّه ایزدی از یک سو با هدف اعطای مشروعیت و حقانیت به حکام با برانگیختن احساس احترام عمومی به نیابت الهی حکام مفهوم‌سازی شده بود. از دیگر سوی، هدف از خلق این مفهوم این بود که همواره حکام بر این باور باشند که



تصویر شماره ۷: برتخت نشستن اسکندر، شاهنامه بزرگ ایلخانی، موزه لوور پاریس، منبع: (SIMS ET AL.2002).



تصویر شماره ۸: اسکندر و درخت سخنگو، شاهنامه بزرگ ایلخانی، گالری هنری فریر واشنگتن، منبع: (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۸۶).

#### ۵- مشروعیت طلبی با توسل به شاهنامه و تاریخ‌نگاری

شاهنامه به عنوان یک حماسه ملی توسط فردوسی (۳۲۹-۴۱۶ ق) سروده شد و به سرگذشت پهلوانان باستانی و اساطیر ایران می‌پردازد. فردوسی برای سرودن این حماسه از تاریخ اساطیری ایران قبل از اسلام بهره برده و تصویرگرانی که به تصویرسازی نسخه‌های این شاهنامه پرداخته‌اند نیز به منبع الهام اولیه فردوسی رجوع نموده‌اند. هرچند آثار برجای مانده از آن مأخذ اندک است ولی کاملاً مشخص است که نگارگری در دوره ساسانی هنری شکوفا بوده است و تأثیر آن بر دیگر هنرها دیده می‌شود. چنانچه تمامی نقوش حکاکی‌های فلزی و سنگی و پیکره‌تراشی‌هایی که از این دوره به یادگار مانده

مشروعیت پادشاهی به او و جانشینانش به عنوان یک ضرورت سیاسی مطرح بوده است. چرا که در باور ایرانیان فقط فرمانروایان و پادشاهانی که دارای فره شاهنشاهی بودند این حق را داشتند تا به فرمانروایی ایران برگزیده شوند و یک غاصب بیگانه در تاریخ کشور جایی نداشت. برای آنکه اسکندر شرایط لازم را بدست بیاورد در شاهنامه از اسکندر به عنوان برادر ناتنی پادشاه هخامنشی یاد شده است (کرتیس، ۱۳۹۵: ۷۱).

دیوانسالاران و وزرای ایرانی عهد ایلخانان به پادشاهان مغول شخصیتی جدید اعطا نمودند تا جلوی خونریزی‌ها، وحشیگری‌ها و ددمنشی‌های آنان گرفته شود و مغولان به تکریم حقوق ایرانیان بپردازند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۹). این سیاست همچنین به مغولان کمک می‌کرد تا به عنوان شاهان جدید ایران پذیرفته شوند و مشروعیت لازم برای پادشاهی را نزد جامعه آن زمان کسب نمایند.

اختصاص دادن تعداد زیادی از نگاره‌های شاهنامه بزرگ ایلخانی به وقایع و اعمال اسکندر نشان دهنده توجه خاص قدرت حاکم در آن دوران به اسطوره اسکندر در فرهنگ ایران است. همچنین استفاده از فرم چهره حاکمان مغول در تصاویر منسوب به اسکندر موید نیت ایلخانان در ایجاد مفهوم ذهنی این‌همانی بین خود و اسطوره ایرانی-رومی است که مشخصاً با انگیزه‌های سیاسی فوق‌الذکر صورت گرفته است. هنرپژوهان بزرگی تلویحاً این فرضیه را بررسی و تأیید کرده‌اند. از آن جمله، هیلن برند نگاره‌های شاهنامه بزرگ ایلخانی را دارای مضامین، میهن‌پرستی، عدالت‌جویی، جدال و جریان پرتلاطمی از سربلندی تا حقارت و آرزوهای خودخواهانه انسان می‌داند که در آنها شاهان بیش از همه ستایش شده‌اند و در مورد شاهانی همچون اسکندر، به شدت مبالغه شده است (Hillenbrand, 2002, p.61). سلطان حسین میرزا (۱۴۷۳-۱۵۰۴ م) هنگامی که نقاشان دربار وی به مصورسازی اسکندرنامه پرداختند دستور داد که تصویر اسکندر را به شکل او ترسیم کنند به گونه‌ای که سیما و چهره اسکندر مشابه سلطان حسین باشد (عکاشه، ۱۳۸۰: ۹۲) و این نشان از آگاهی سیاسی حکمرانان ایران در شناخت اساطیر ایرانی دارد. (تصاویر شماره ۷ و ۸) این مضمون را به خوبی به تصویر کشیده است.

فصل کوتاهی در باب ده تن از پیامبران آغاز می‌شود. در فصل دوم به تاریخ سنتی ایران تا فرود ساسانیان می‌پردازد. فصل سوم به خلفای راشدین، بنی امیه و بنی عباس اختصاص داده شده است. در فصل چهارم که آخرین بخش کتاب محسوب می‌شود به پادشاهانی که به طور مستقل از خلفای عباسی در ایران پادشاهی کردند تا دوره ایلخانان مغول پرداخته می‌شود. حمدالله مستوفی نیز از این دوره بندی چهار مرحله‌ای در کتاب تاریخ گزیده خود بهره برد و به دلیل محبوبیت این آثار بود که دوره بندی چهار گانه ی تاریخ ایران، که بیش‌تر بیانگر یک روحیه ملی اولیه بود، از موفقیتی پایدار در تاریخ نگاری ایران در قرن‌های بعدی برخوردار شد. ویژگی مهم دیگر این شیوه از بازسازی تاریخ دودمانی ایران، بازسازی تصویر جغرافیایی از ایران و ایران زمین بود که تا به این دوران پرداخته شده بود (اشرف، ۱۳۹۵: ۱۳۶-۱۴۱).

از سوی دیگر وقوع حوادث مهم و سرنوشت‌ساز و ثبت و ضبط این حوادث بر گرم بودن بازار تاریخ‌نویسان در این دوران افزود. ایلخانان که ایجاد یک هویت تاریخی را برای خود و خاندان مغول دنبال می‌کردند و در این راه با بهره‌گیری از استعداد و نکته سنجی مورخان سعی در رسیدن به این مهم داشتند. سیمپسون معتقد است که شاهنامه بزرگ ایلخانی نیز به نوعی دربرگیرنده اندیشه‌ای شخصی و پیامی سیاسی درباره یکی از تصورات ایلخان (ابوسعید) از هویت مغول و رویدادهای خاص تاریخ ایلخانی است (سیمپسون، ۱۳۸۸: ۲۷). سیمپسون نتیجه می‌گیرد که رویدادهای تاریخی آن دوران به شکل تصویری و غیرمستقیم در شاهنامه بزرگ ایلخانی نشان داده شده است. در آخر می‌توان نتیجه گرفت که تلاش مغولان برای تشکیل یک حکومت با اقتدار در ایران آنان را وادار نمود تا به فرهنگ و هنر ایران احترام و توجه بیشتری داشته باشند. این علاقه به همراه نیاز به افزایش مقبولیت و مشروعیت عمومی منجر به تأسیس کارگاه‌های هنری در تبریز (ربع رشیدی) و دیگر شهرها در حمایت از هنرمندان شد. آثار فاخر و سترگی در زمینه تاریخ‌نگاری و تصویرگری از این دوران به جا مانده که از مهمترین آن‌ها می‌توان به شاهنامه بزرگ ایلخانی اشاره کرد. به نظر می‌رسد در پس زیبایی‌های هنری مستتر در این آثار، پیوسته یک هدف سیاسی دو گانه متشکل از کسب هویت

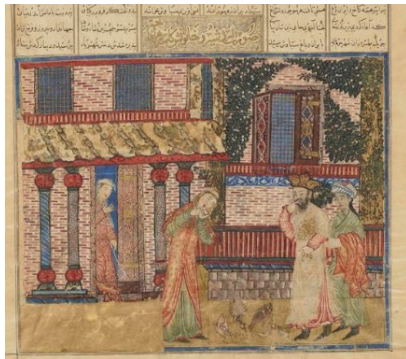
است در گرو موضوعات و اشکالی است که نگارگران دوره ساسانی خلق نموده‌اند. برخی از کتب ادبی نشان می‌دهد که نگارگران دوره ساسانی به تصاویر صحنه‌های نبرد و جنگ که در شاهنامه به وفور یافت می‌شود توجه و علاقه بسیار داشته‌اند. همچنین تصاویر دوره ساسانی که آن صحنه‌ها را به نمایش می‌گذاشته است، کم و بیش در دسترس نگارگران این دوره بوده است (عکاشه، ۱۳۸۰: ۷۳). با این حال می‌توان اذعان داشت که کتاب‌آرایی شاهنامه عمدتاً در زمان ایلخانان آغاز شد و تلاش دیوانسالاران و وزیران ایرانی برای آشنایی و شناساندن اسطوره‌ها و تاریخ باستانی ایران به حاکمان مغول باعث گردید که مغولان به راحتی با شاهنامه ارتباط برقرار کنند و شاهنامه به زودی مورد علاقه و احترام آنها قرار گرفت. دلیل این علاقه را می‌توان در داشتن نوعی ادبیات پندنامه‌ای دانست که ویژگی‌های مشترکی با شاهنامه داشت و مغولان را بر آن می‌داشت که با این نوع ادبیات هم‌نوایی و هم‌ذات‌پنداری کنند. بیلک نام پندنامه‌ای بود که در ادبیات مغول از چینیان اقتباس شده بود (Barthold, 1970, p, 204) و ویژگی‌های حماسی مشابه‌ای با ادبیات شاهنامه داشت.

تاریخ‌نویسی و توجه به تاریخ یکی از ویژگی‌های مهم ادب و فرهنگ دوره ایلخانی محسوب می‌شود و در هیچ دوره‌ای از ادوار تاریخی ایران، فن تاریخ‌نویسی به این اندازه از پیشرفت نرسیده بود. این مهم را می‌توان از تعدد کتابهای تاریخی نوشته شده در این دوران به خوبی مشاهده کرد. کتابهایی همچون تاریخ جهانگشای جوینی، جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تاریخ و صاف، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی، ظفرنامه یا تاریخ منظوم مغول، نوشته حمدالله مستوفی، تاریخ فتح بغداد خواجه نصیرالدین طوسی، مختصرالدول و تاریخ عام سریانی تألیف ابن عربی، زبدہ التواریخ اثر ابوالقاسم عبدالله کاشانی از جمله مهمترین آثار تاریخی به جای مانده در فرهنگ ایران هستند. تعدد این کتب تاریخی در این مقطع از زمان نشان می‌دهد که سلاطین مغول تمام تلاش و همت خویش را برای نشان دادن شکوه و جلال نام خود و جاودان نمودن و ریشه‌دار بودن قوم مغول در تاریخ بکار بردند (عکاشه، ۱۳۸۰: ۳۱).

دوره بندی چهار مرحله‌ای تاریخ ایران را که ناصرالدین عبدالله بیضاوی در کتاب نظام‌التواریخ خود مطرح نمود: با



یافت. در این فاصله زمانی، مراحل تسلط مغلوب بر غالب با سیطره تدریجی مغول بر ممالک متمدن چین و ایران، اقامت در شهر، تغییر آداب مغولی، تقلید آداب و رسوم کشورهای تحت سلطه شروع شد و به مرور به مغلوب شدن فرهنگ و تمدن مغولان و دست کشیدن از عقاید و آیین مراسم اجدادی آنها انجامید. وزرا و ارباب هنر چینی و ایرانی انتقام خود را به قوه تدبیر گرفتند و زبان و مذهب و اصول حکومت خود را بر ایشان تحمیل کردند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۸۱). بروز این فرایند برای مغولان، ناخوشایند نبود چرا که آنها می‌توانستند از این سنن برای ایجاد مقبولیت و فرمانبرداری در بین مردم بهره‌برداری کنند (بویل، ۱۳۷۱، ص ۹). در آخر می‌توان گفت که: تلاش مغولان برای تشکیل یک حکومت با اقتدار در ایران آنان را وادار نمود تا به فرهنگ و هنر ایران احترام و توجه بیشتری داشته باشند و این علاقه به همراه پذیرفتن اسلام و تأسیس کارگاههای هنری در تبریز و دیگر شهرها و حمایت از هنرمندان، آثار فاخر و سترگی را بوجود آورد که نقش مهمی در تاریخ و هنر این سرزمین برعهده دارند. (تصاویر ۹ و ۱۰).



تصویر شماره ۹: اردشیر و همسرش؛ گالری هنری فریر، منبع: (URL4)



تصویر شماره ۱۰: کاشی کتیبه‌ای با موضوع بیرون کشیدن بیژن از چاه توسط رستم «در گوشه سمت راست نوشته شده آمدن رستم بر سر چاه»، سده ۱۳/۷، مجموعه خصوصی کاپر، لندن.

جدید و افزایش مشروعیت عمومی مغولان در کتابت و نگارگری تاریخ و بالاخص شاهنامه ایلخانی وجود داشته است. علاقه‌مندی ایلخانان به تاریخ و تاریخ‌نگاری، التفات ایشان را به متون کهن حماسی ایران از جمله شاهنامه که افسانه پادشاهان باستانی ایران با روایتی حماسی است متوجه نمود بطوری که روایت بیضاوی از عهد اساطیری و عهد تاریخی از ابتدای آفرینش تا فرود ساسانیان تکرار همان مطالبی است که در شاهنامه آمده است (اشرف، ۱۳۹۵: ۱۳۷). در این دوره کتابت و تزیین نسخه‌های متنوعی از شاهنامه انجام پذیرفت و چندین نسخه کوچک مصور دیگر نیز از شاهنامه مربوط به این دوره موجود است (رهنورد، ۱۳۸۶: ۲۴).

خیلی زود مغولان به فرهنگ و تمدن ایرانی علاقه‌مند شدند و برای ارائه و نمایش سابقه تاریخی، قدمت و اهمیت حکومت خود در راستای حکومت‌های ایران باستان، به انتشار کتابهای متنوع خطی در زمینه تاریخ و شعر و حماسه پرداختند که در این میان شاهنامه فردوسی با داشتن داستانهای قهرمانی، اسطوره‌ای و حماسی سریعاً مورد توجه ایلخانان واقع شد و توانست نیازهای فرهنگی و هنری ایلخانان را برآورده کند.

مغولان در ابتدای حکومت خود و پس از غلبه بر دشمنان و مخالفان، سعی نمودند تا به ثبوت وضع جغرافیایی و سیاسی سرزمین ایران بپردازند و به دفع حملات متجاوزان اقدام نمایند (اشپولر، ۱۳۸۰: ۶۳). در ادامه پس از آشنایی حکمرانان مغول با فرهنگ و تمدن ایرانی و مسلمان شدن ایلخانان، آنان برای جبران نداشتن تاریخ و فرهنگی غنی و تأثیرگذار از منظر و نگاه ایرانیان به تاریخ و فرهنگ نگریستند و با قرار دادن خود به جای شاهان ایران باستان سعی در فراهم کردن تاریخ و تمدنی جدید برای مغولان چادرنشین بودند. از سوی دیگر آنان، با هم‌آهنگی و همسو شدن با فرهنگ و تمدن شکوهمند ایران نگاه ایرانیان را نسبت به خود تغییر دادند و با توجه به نیازهای جدیدی که در جامعه اسلامی شکل گرفته بود به سمت تاریخ‌نگاری و نجوم گرایش یافتند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۸: ۴۹۶).

از زمان سلطنت غازان خان تا اواخر دوره ایلخانی (۷۱۶-۷۳۶ ق)، فرهنگ ایرانی غلبه و برتری خود را ثابت کرد و با ایجاد دوره‌ای از آرامش و بازسازی، تحت سلطه حکمرانان ایلخان، فرهنگ و هنر ایرانی به بالاترین درجه خود دست

## ۶- مشروعیت طلبی با توسل به بهرام گور

بهرام گور (بهرام پنجم) پسر یزدگرد اول، پادشاه ساسانی بین سالهای (۴۲۰ تا ۴۳۸ م) بر ایران حکومت کرد و ماجراهای زندگی و دلاوری‌های وی در نبرد و شکار با حیوانات مختلف دستمایه هنرمندان و شاعران بزرگی همچون فردوسی و نظامی برای سرودن منظومه‌های تغزلی بوده است. نگاره‌هایی که بهرام گور را در حالات مختلف به نمایش گذاشته است، لایه‌های پنهانی از مضامین ادبی را در قالب نمادها و نشانه‌ها به تصویر کشیده است و استحاله بهرام در اشکال مختلف نمود اسطوره‌ای این روایت را بیشتر نمایان می‌کند. از سوی دیگر همنامی اسطوره بهرام با ایزد بهرام "مفهومی کهن در قالب مضمونی جدید" را انتقال می‌دهد. بهرام در دین زرتشتی به شکل ایزد جنگ به تصویر درآمده است و ویژگی‌های او دارای غنای باستانی است. در آیین‌های قبل از ظهور زرتشت، بهرام تمثالی اسطوره‌ای دارد و نقش جنگجو را بر عهده دارد اما در پی اصلاحات زرتشت مقام بهرام با حفظ نقش جنگجویی، به مقام ایزد جنگ ترفیع می‌یابد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۹).

پس از استیلای مغولان بر ایران، به زودی آنها به نقش فرهنگی و سیاسی استفاده از اساطیر پی بردند و توانستند با قراردادن خود در مقام اساطیر نقش اسطوره‌ای به خود بگیرند و در این بین نقش بهرام گور به عنوان یکی از اساطیر ایرانی- هندی مورد توجه قرار گرفت. در تصاویر شاهنامه بزرگ ایلخانی با استفاده از به تصویر کشیدن چهره شاه مغول در هیئت ایزد بهرام نوعی مشروعیت طلبی با پیوند خاندان مغول به خاندان کهن ایران باستان شکل می‌گیرد. شاهی که همچون ایزد باستانی بهرام، بر رفتار و کنش بد آزاده فائق می‌آید به شاه مغول تشبیه می‌گردد. پیروزی در نبرد با حیواناتی همچون گرگ شاکدار و اژدها، توانایی، جسارت و بی‌باکی وی را در مبارزه با دشمن نشان می‌دهد. این ویژگی‌ها او را تا مرتبه خدایان باستان بالا می‌برد و فرمان وی را همپایه فرمان ایزدان قداست می‌بخشد. از سویی این شاه عادل نیک کردار با بخشش و عدل و داد و مراقبت از همه اقشار جامعه نوعی نیک نامی از خود به یادگار می‌گذارد و بدین ترتیب، مقام یک شاه زمینی تا سطح یک ایزد باستانی ارتقا می‌یابد و در بین عموم مشروعیت و محبوبیت کسب می‌کند.

اگرچه در ابتدای دوره ایلخانی، مغولان از جان و مال مردم مغلوب نمی‌گذشتند و برای چپاول و غارت حد و حصری قائل نبودند، اما خیلی زود دریافتند که برای بقای خود باید این تصویر ناخوشایند اولیه را از ذهن ایرانیان بزدایند. پس از آشنایی با رسوم سلطنت در ایران باستان، مغولان دریافتند که قدرت و اعتبار شاه فاتح براساس عدالت و انصاف بدو اعطا می‌گردد و چنانچه از محور عدالت خارج گردد قر شاهی از او دور گشته و اعتبار و مشروعیت خود را به عنوان شاه از دست خواهد داد. تغییر رویکرد مغولان بر پایه آگاهی از این اصل کهن ایرانی شکل گرفت که "پادشاهی به سپاه است و سپاه به مال و مال به خراج و خراج به آبادانی و آبادانی به عدل و داد" (مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۶۴). وزرای ایرانی مغولان آن‌ها را آگاه ساختند که "چون رعیت درویش شود خزانه خالی بماند!". کم‌کم تبلور این نگرش وابستگی و رابطه بین شاه و رعیت را در دوران ایلخانی به شکل جدیدی بروز داد. با تثبیت حکومت ایلخانان در ایران، ایلخانان خود را شاهان جدید ایران زمین خواندند و بر مناطقی حکمرانی کردند که در دوره‌های گذشته و بعد از ایلخانان به طور مکرر در محدوده قلمرو دولت ایران بود، به این ترتیب وظیفه‌ای که بر عهده ایلخانان به عنوان پادشاهان جدید ایران گذاشته شد این بود که به ثبات وضع جغرافیایی و سیاسی این سرزمین بپردازند و به دفع حملات متجاوزان اقدام نمایند (اشپولر، ۱۳۸۰: ۶۳). این رویکرد از زمان غازان خان و با به وزارت رسیدن خواجه رشیدالدین فضل‌الله‌همدانی و با انجام اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی در ایران شکل پررنگ‌تری به خود گرفت (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۶۳: ۳۷۳). مغولان در این راه تلاش‌های فراوانی انجام دادند و با نزدیکی خود به شاهان ایران باستان و قرار دادن خود در هیئت پهلوانان و قهرمانان اسطوره‌ای ایران باستان همچون بهرام عرصه جدیدی از مقبولیت و مشروعیت ایلخانان را فراهم کردند. در حقیقت آن‌ها با نمود تجسمی خود در قالب شاهان اسطوره‌ای ایرانی در تلاش برای کسب نوعی قره ایزدی بودند. کم‌کم این تلاش‌ها و تداوم دیدن چهره شاهان مغول در هیئت اسطوره‌هایی همچون بهرام به آن‌ها قدرت الهی بخشید و اطاعت از آنان را مشروع جلوه داد. در تصاویر شماره: ۱۱ و ۱۲، بهرام گور در موقعیت‌های مختلف به تصویر درآمده است.

پراکنده شود. البته نباید از سیاست‌های مصلحت‌طلبانه غازان خان در پذیرش اسلام غافل ماند. غازان خان پس از رویارویی با ملوک مصر و برای دستیابی به حمایت افکار عمومی مسلمین در مقابله با مملوکان (بنا به مصلحت)، دین اسلام را پذیرفت و توانست علمای اسلام و افکار عمومی را برای جنگ با مملوکان، با خود همراه نماید. او از میان مذاهب اسلامی دین حنفی را انتخاب کرد و لقب محمود بر خود نهاد (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۸: ۲۸۳) و بدین شکل از رونق سایر ادیان کاسته شد. (تصویر شماره ۱۳).



تصویر شماره ۱۳: محمد مخاطب عتاب‌های تند الهی، دوره ایلخانی، مأخذ: (URL7)

#### ۷-۱- مشروعیت طلبی با توسل به مذهب تشیع

بعد از کشته شدن معتصم خلیفه عباسی در بغداد، هولاکو خان مغول از خون ابن علقمی (وزیر معتصم بالله) درگذشت و حتی او را تکریم نمود و بغداد را در اختیار او قرار داد. ابن علقمی بعدها منزلت یافت و وزارت بغداد به وی محول شد و پس از چند ماه وزارت درگذشت. ابن علقمی مذهب شیعه داشت و پسرش نیز که بعد از مرگ وی به وزارت بغداد منسوب شد مسلمان شیعه بود. در زمان ایشان شیعیان در بغداد قدرت گرفتند و موفق شدند آوازه این مذهب را به دربار ایلخانان برسانند. از سوی دیگر و در دربار ایلخانی، خواجه نصیرالدین طوسی که نزد هولاکو محبوبیت خاصی داشت، مغولان را بیش از پیش با مذهب شیعه آشنا نمود و فرهنگ شیعی را به مغولان معرفی کرد. نفوذ دیوان‌سالارانی چون خواجه نصیرالدین طوسی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و علامه حلّی بر ایلخانانی چون هولاکو، غازان خان و اولجایتو از مهم‌ترین عوامل کاهش اقتدار سیاسی اهل تسنن و قدرت‌گیری شیعیان در دوره ایلخانی بود (لمبتون، ۱۳۵۹: ۴۷-۴۸).

تشیع در زمان غازان خان جانی دوباره گرفت و توجه وی به



تصویر شماره ۱۱: نگاره بهرام گور ازدها را می‌کشد، شاهنامه بزرگ ایلخانی، منبع (URL5)



تصویر شماره ۱۲: بهرام گور و آزاده در حال شکار، شاهنامه بزرگ ایلخانی، کتابخانه دانشگاه هاروارد، منبع (URL6)

#### ۷-۲- مشروعیت با استفاده از دین

سلاطین مغول پس از حشر و نشر با مسلمین، بتدریج به شریعت اسلام مایل شدند و از علما و رجال مسلمان در کارهای دولتی و کشوری بهره‌ها بردند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۸: ۲۲۱) و بهره‌گیری از مذهب عرصه‌ی جدیدی از مقبولیت و مشروعیت ایلخانان را فراهم نمود (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۷). در این راه دیوانسالاران و وزرای ایرانی به عنوان مشاور و راهنمای آنها نقش مهمی را ایفا کردند. خواجه نصیرالدین طوسی پس از فتوحات مغولان، علما، بزرگان و اندیشمندان ایرانی را گرد خود جمع نمود و آنها را در مشاغل مهم علمی، روحانی و دیوانی گمارد (آتینگهاوزن و دیگران، ۱۳۸۴: ۶۷). در این دوران نیروهای مذهبی بیگانه همچون بودا، مسیحیت و یهودیت با حمایت‌های مغولان در مقاطع کوتاهی در ایران قدرت یافتند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۸: ۲۰۰-۲۸۰). ایرانیان اما پیوسته و با تکیه بر تعالیم دین اسلام سعی در مقابله با فرهنگ شمنی مغولان داشتند. سرانجام دین اسلام توانست برتری خود را حفظ کرده و در قلمرو ایلخانان



## ۷-۲- مشروعیت طلبی با استفاده از جانمایی آیات خاص در کتیبه‌های محراب‌های مساجد

در حال حاضر و بر اساس بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی و آثار برجای مانده، ۴۳ مسجد از دوره ایلخانی شناسایی شده است که در تحقیقات بلر به آن‌ها اشاره شده است (بلر، ۱۳۸۷: ۱۱۶). بررسی‌های انجام شده بر روی آیات و عبارات نقش بسته در محراب‌های این دوره نشان می‌دهد که می‌توان این عبارات را در سه دسته متفاوت با معانی مجزا گروه‌بندی نمود. دسته نخست کتیبه‌هایی هستند که بر روی مفاهیمی همچون: نماز، مسجد و برپایی نماز متمرکز شده‌اند. از این دسته می‌توان به سوره‌های اخلاص و فاتحه، آیات ۱۴ و ۱۵ و ۲۳۸ سوره بقره، آیات ۱۷ و ۳۹ سوره آل عمران، آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه، آیات ۱۱۴ و ۱۱۵ سوره هود، آیات ۴۰ و ۴۱ سوره ابراهیم، آیه ۱۱ سوره مریم، آیه ۷۷ سوره حج، آیات ۱ تا ۱۴ سوره مومنون و آیات ۹ و ۱۰ سوره جمعه اشاره کرد. دسته دوم گروه آیاتی را در بر می‌گیرد که آشکارا با مسجد و محراب و نماز ارتباطی پیدا نمی‌کنند و کاربرد عام‌تری دارند. محراب‌های مزین به آیات ۲۳ و ۱۶۳ و ۲۳۸ و ۲۵۵ سوره بقره، آیه ۱۹ آل عمران، آیات ۶۲ و ۶۳ سوره یونس، آیه ۳۵ سوره ابراهیم، آیات ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۲ سوره اسراء، آیه ۵۶ سوره احزاب، آیات ۵۱ و ۵۲ سوره قلم و آیات ۱ تا ۴ سوره قلم از این دسته هستند. در نهایت دسته سوم به آیاتی که به حکومت و حکومت‌داری حاکمان اشاره مستقیم دارند، اختصاص یافته است. از این دسته می‌توان به محراب‌هایی منقش به آیات ۲۶ سوره آل عمران، آیه ۵۹ سوره نساء، آیات ۱ تا ۵ سوره یاسین و آیات ۱ تا ۴ سوره فتح اشاره نمود (شکفته، ۱۳۹۴، ۱۰۸). در مسجد جامع ارومیه آیه ۲۲۵ سوره بقره (آیه الکرسی) و آیات ۱ تا ۴ سوره مومنون، مسجد جامع ساوه (آیات ۱ تا ۳ سوره فتح، آیه ۲۶ سوره فتح، آیه ۳۵ سوره ابراهیم و آیات ۱ تا ۹ سوره یاسین)، مسجد جامع تبریز (آیات ۱ تا ۷ سوره مومنون)، مسجد هفت شویه (آیه ۲۵۵ سوره بقره «آیه الکرسی»، آیات ۱ تا ۷ سوره فاتحه، آیات ۱۸ و ۱۹ سوره آل عمران، آیات ۵۱ و ۵۲ سوره قلم «و ان یکاد»، مسجد میر نطنز (آیات ۱۱۴ و ۱۱۵ سوره هود) و سوره اخلاص، مسجد جامع بسطام (آیات ۹ و ۱۰ سوره جمعه، آیات ۱ تا ۴ سوره فتح، آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه، آیه ۱۱۴ سوره هود)،

شیعیان افزایش یافت و سادات، عزیز و محترم شمرده شدند و صدقات مشخص در حق ایشان بذل و بخشش می‌شد (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۳۶: ۳۰) که نشان از رشد توسعه مذهب تشیع دارد. پس از غازان خان، اولجایتو نیز مذهب شیعه را انتخاب کرد و نام خود را به سلطان محمد خدابنده تغییر داد و در اجرای ظاهر امور دینی سخت‌گیر بود. وی دستور داد تا نام دوازده امام شیعه را بر روی سکه‌ها نقش کنند (آقبال آشتیانی، ۱۳۸۸: ۳۱۶). با قدرت‌گیری شیعیان در دربار اولجایتو نیروهای سنی مذهب پیوسته با دسیسه و نیرنگ سعی در فتنه‌انگیزی داشتند. آنان موفق به انجام تحریکاتی شدند، و موجبات قتل رشیدالدین فضل‌الله همدانی را فراهم کردند، اما ایلخانان که سعی در نشان دادن وابستگی نسب‌شان به یک سلسله اسلامی را داشتند (عکاشه، ۱۳۸۰: ۳۱)، هرگز محبت‌شان نسبت به مذهب شیعه و خاندان پیامبر(ص) کم نگشت. نهایتاً حکمرانان مغول برای مشروعیت‌بخشی به خود، از هر تلاشی بهره بردند و همان گونه که به شاهان ایران باستان روی آوردند، به اسلام و تشیع هم متوسل شدند (شمسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۸). (تصاویر شماره ۱۳ و ۱۴).



تصویر شماره ۱۳: پیامبر(ص) حمزه و حضرت علی(ع) را رهسپار غزوه بدر می‌کند، برگي از جامع التواریخ، مأخذ تصویر: (URL8)



تصویر شماره ۱۴: تابوت رستم و زواره، موزه متروپولیتن نیویورک، مأخذ: (Carboni and Komaroff, 2002, p, 107)



جامع ابرقو (آیات ۱ تا ۳ سوره فتح)، مسجد جامع کرمانی (آیات ۱ تا ۵ سوره فتح، آیه ۲۶ سوره آل عمران، آیات ۶۲ و ۶۳ سوره یونس) بکار برده شده است. جدول شماره یک این مساجد و آیات بکار برده شده در آنها را نشان می‌دهد.

مسجد جامع اشترجان (آیات ۱ تا ۴ سوره انسان)، مسجد جامع فارفان (آیات ۱ تا ۴ سوره فتح، آیه ۲۳۸ سوره بقره، آیه ۲۲ سوره بقره، آیه ۷۷ سوره حج)، مسجد جامع فرومد (آیه ۱۱ سوره مریم)، مسجد جامع ورامین (آیات سوره جمعه، آیات ۱ تا ۵ سوره فتح)، مسجد جامع مرند (آیه ۱۸ سوره توبه) مسجد

جدول شماره یک: مساجد دوره ایلخانی و آیات مورد استفاده در این مساجد. منبع نگارندگان، منبع تصاویر: (URL9).

نام مسجد	قدمت	آیات بکار برده شده در محراب	تصویر
مسجد جامع ارومیه	۶۷۶ هجری قمری	- بقره ۲۵۵ (آیه الکرسی) - سوره مؤمنون آیه ۱ تا ۱۴	
مسجد جامع ساوه	قرن هفتم هجری قمری	- سوره فتح آیات ۱ تا ۳ - سوره حج آیات ۲ تا ۶ - سوره ابراهیم آیه ۳۵ - سوره یاسین آیات ۱ تا ۹	
مسجد جامع تبریز	قرن هفتم هجری قمری	- سوره مؤمنون آیات ۱ الی ۷	
مسجد هفت شویه	قرن هفتم و هشتم هجری قمری	- سوره بقره ۲۵۵ (آیه الکرسی) - سوره فاتحه آیات ۱ تا ۷ - سوره آل عمران آیات ۱۸ و ۱۹ - سوره قلم آیات ۵۱ و ۵۲ (و ان یکاد)	
مسجد کوچه میرنطنز	قرن هفتم و هشتم هجری قمری	- سوره هود، آیات ۱۱۴ و ۱۱۵ - سوره الخالص	
مسجد جامع بسطام	۷۰۲-۷۰۶ هجری قمری	- سوره جمعه آیات ۹ و ۱۰ - سوره فتح آیات ۱ تا ۴ - سوره توبه آیات ۱۸ و ۱۹ - سوره هود آیه ۱۱۴	
مسجد جامع اصفهان (محراب اولجایتو)	۷۱۰ هجری قمری	فاقد آیات قرآنی بخشی از آیه ۵۹ سوره نساء در آن دیده می‌شود	

تصویر	آیات بکار برده شده در محراب	قدمت	نام مسجد
	- بقره ۲۵۵ (آیه الکرسی) - سوره انسان آیات ۱ تا ۴	۷۱۲ هجری قمری	مقبره پیربکران
	- سوره انسان آیات ۱ تا ۴	۷۱۵ هجری قمری	مسجد جامع اشترجان
	- سوره فتح آیات ۱ تا ۴ - سوره بقره آیه ۲۳۸ - سوره بقره آیه ۲۲ - سوره حج آیه ۷۷	قرن هشتم هجری قمری	مسجد جامع فارفان
	- سوره مریم آیه ۱۱	۷۲۰ هجری قمری	مسجد جامع فرومد
	- سوره جمعه - سوره فتح آیات ۱ تا ۵	۷۲۲-۷۲۶ هجری قمری	مسجد جامع ورامین
	- سوره توبه آیه ۱۸	۷۳۰ هجری قمری	مسجد جامع مرند
	- سوره فتح آیات ۱ تا ۳	۷۳۸ هجری قمری	مسجد جامع ابرقو
	- سوره فتح آیات ۱ تا ۵ - سوره آل عمران آیه ۲۶ - سوره یونس آیات ۶۲ و ۶۳	قرن هشتم هجری قمری	مسجد جامع کرمانی

بگذارند. مغولان برای تغییر چهره خود در اذهان عمومی پس از کشته شدن خلیفه عباسی توسط هولاکو، نام خلیفه عباسی را که در زمان چنگیزخان برای اعتبار بخشی به مغولان در روی سکه‌ها استفاده می‌شد برچیده و به جای آن نام قآن را بر روی مسکوکات قرار دادند. در پشت سکه‌های هولاکو آیه ۲۶ سوره آل عمران، به اراده خداوند در حکومت بخشی به افراد خاص اشاره دارد. این مفهوم دینی با هدف گره زدن حکومت مغولان با اراده الهی و اعطای نوعی مشروعیت و حمایت الهی به هولاکو انتخاب شده بود. استمرار استفاده از آیه ۲۶ سوره آل عمران در زمان حکام بعدی ایلخان نیز دیده می‌شود (محسنی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۶). پس از مسلمان شدن غازان خان عباراتی همچون لاله‌الله محمد رسول‌الله در کنار نام شاه بکار برده شد تا همه جای سکه به نام خدا و رسول باشد (رشید الدین، ۱۳۳۲: ۱۰۷) و نام قآن از سکه‌ها حذف گردید (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۸: ۲۶۰). غیر از مسکوکات معمولی غازان خان سکه‌های طلایی با وزن صد مثقال در بلاد مختلف ضرب می‌شد که آیات قران و اسامی دوازده امام شیعه بر روی آنها نقش شده بود (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۸: ۲۹۴).

بعد از اسلام آوردن اولجایتو و تغییر نام او به محمد خدابنده، مجموعه‌ای از شعایر اسلامی شامل شهادتین (علی ولی الله) و نام دوازده امام شیعه بر سکه‌های این دوره نقش بست که نشان از حاکمیت مذهب تشیع دارد. سکه‌هایی که در ضرابخانه‌های فرمانروایان ایلخان ضرب می‌شد با تغییر مذهب و قرارگیری نقش عبارت "لا اله الا الله، محمد رسول الله" سیمای اسلامی حکومت جدید ایلخانان را نمایش می‌داد (عکاشه، ۱۳۸۰: ۸۹). در دوره اولجایتو آیات ۲۹ سوره فتح و آیه ۵۵ سوره نور که اشاره به حکومت نهایی صالحین بر زمین دارد در یک سوی سکه‌ها دیده می‌شود و در سوی دیگر اسامی امامان شیعه ضرب شده است. در زمان ابوسعید بهادرخان آیات ۴ و ۲۹ سوره فتح که نشان از قدرت گیری تشیع دارد دیده می‌شود و این قدرت با قدرت مغولان مقایسه می‌گردد. تصویر شماره ۱۵ سکه دوره ارغون خان را به تصویر می‌کشد که بر روی سکه نام محمد رسول الله و علی ولی الله دیده می‌شود.

از میان سه دسته فوق، دسته سوم (محراب‌های مزین به آیات مرتبط با حکومت اسلامی) از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. دلیل این اهمیت در این است که آیات گروه سوم به هیچ وجه در محراب‌های قبل از دوره ایلخانی در ایران دیده نمی‌شود. این نکته نشان از آن دارد که محراب‌هایی که آیات ذکر شده بر روی آنها نقش بسته با اهداف و انگیزه‌های خاص سیاسی طراحی و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این آیات در محراب مساجد به صورتهای زیر دیده می‌شوند: آیه ۲۶ سوره آل عمران: مسجد کرمانی تربت جام. آیه ۵۹ سوره نساء: مسجد جامع اصفهان محراب اولجایتو. آیه‌های ۱ تا ۵ سوره یاسین در محراب مسجد جامع ساوه. آیه‌های ۱ تا ۴ سوره فتح: محراب مسجد جامع کرمانی تربت جام، محراب مسجد جامع فارغان، محراب مسجد جامع بسطام، مسجد جامع ورامین، محراب مسجد جامع ساوه محراب مسجد جامع ابرقو. استفاده از این مضامین جدید در کتیبه‌ها و محراب‌ها حکایت از استفاده سیاسی و مذهبی ایلخانان از مساجد برای ایجاد محبوبیت و مشروعیت حکومتشان دارد. از سوی دیگر مساجد به عنوان پایگاهی مذهبی، فرهنگی و اعتقادی، با داشتن مخاطبین متنوعی از اقشار مختلف جامعه به خوبی نیاز تبلیغاتی ایلخانان را برآورده می‌کرد. آنها با استفاده از این مضامین دینی و جانمایی معانی مورد نظر خود در محراب مساجد به خوبی به تبلیغات در جهت ایجاد محبوبیت و مشروعیت خود در بین مردم پرداختند.

### ۷-۳- مشروعیت طلبی با استفاده از سکه‌ها

بی شک یکی از نوامیس پادشاهان، ضرب سکه و خواندن خطبه به نام ایشان است (رشیدالدین، ۱۳۳۶: ۱۰۹). این منبع نمایش قدرت در ادامه تغییر رویکردهای سیاسی و مذهبی ایلخانان تغییر یافت و یکی از بارزترین تحولات، از این دست را می‌توان در سکه‌های ایلخانی ضرب شده با استفاده از مضامین دینی، مشاهده کرد. آیه ۲۶ سوره آل عمران بدستور هولاکو بر سکه‌های زمان حکومت وی ضرب شد و این کار بی‌شک باید در اثر راهنمایی‌های شخص خواجه نصیرالدین طوسی صورت گرفته باشد (ناظری و بختیاری، ۱۳۹۵: ۱۳۲) تا بر حکومت‌بخشی حاکمان مغول از جانب پروردگار صحه

## ۸-۱- رویکرد نخست: توجه به باورهای فرهنگی و

### قومیتی ایران

مغولان در ابتدای حکومت خود در ایران و پیش از گرایش به اسلام، عمدتاً تحت تأثیر داستان‌های اساطیری ایران بودند. آنان ابتدا با قرار دادن تصویر چهره خود در هیئت پادشاهان و اسطوره‌های ایران باستان و از طریق شاهنامه‌نگاری و تاریخ‌نویسی سعی در تبلور مفهوم این‌همانی میان خود و اساطیر ایرانی داشتند. این رویکرد عمدتاً از طریق هنر نگارگران ایرانی و با استفاده از آوازه اسطوره‌هایی همچون اسکندر و بهرام پیگیری شد که دستاوردهای مشخصی در زمینه افزایش مقبولیت پادشاهان مغول به همراه داشت.



تصویر شماره ۱۵: سکه درهم ارغون (سکه شماره A-۱، ۲۱۴۹)، منبع: (10URL)



## ۸-۲- رویکرد دوم: توجه به باورهای دینی و مذهبی

### ایران

در ادامه و پس از آشنایی با دین اسلام و مذهب شیعه، مغولان با توسل به شعائر دینی و مذهبی و تفاسیر مطلوب خودشان از آیات قرآن کریم تلاش کردند تا پایگاهی الهی و مقدس برای حاکمیتشان در ایران دست‌وپا کنند. بررسی محراب مساجد و سکه‌های ضرب شده در آن دوران که دربردارنده نام پیامبر (ص) و ائمه معصومین به همراه آیات قرآنی است، موید این رویکرد دوم است.

تصویر شماره ۱۶: سکه ابوسعید ایلخانی، ضرب موصل، روی سکه: سلطان ابو سعید با حاشیه لا اله الا الله محمد رسول الله، پشت سکه: دو پرده در حال نوشیدن از امقورا داخل تمغا قرار گرفته‌اند، الموصل، منبع تصویر: (Critian Rasmussen Collection).

## ۸- رویکردهای کسب مشروعیت در عصر ایلخانان

اقدامات صورت گرفته با هدف کسب مشروعیت و مقبولیت اجتماعی در دوران حکومت ایلخانان را می‌توان در قالب دو رویکرد کلی به شرح زیر دسته بندی نمود. این دو رویکرد در جدول شماره دو مشخص شده‌اند.

جدول شماره دو: رویکرد های مختلف فرهنگی و دینی در دوره ایلخانی، منبع: (نگارندگان).





بخشید. مشروعیت بخشی به ایلخانان عمدتاً در قالب توسل به ارزش‌های دینی، نگارگری شاهنامه‌های نفیس، تاریخ‌نگاری هدفمند، ساخت محراب‌های چشم‌نواز برای مساجد و توسل به اساطیر و پهلوانان ایران باستان در شخصیت پردازی شاهان مغول صورت گرفته است.

#### کتابنامه

- آدامور، ا.ل.ت، گیوزالیان. (۱۳۸۸). *نگاره‌های شاهنامه*، ترجمه زهره فیضی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب. (۱۳۸۷). *مکتب نگارگری شیراز*، تهران: فرهنگستان هنر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۵۹). *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: نشر کتاب.
- اتینگهاوزن، ر و دیگران. (۱۳۸۴). *ایلخانان*، ترجمه و تألیف یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
- اسلام پرست، امیر. (۱۳۸۳). *بررسی تصویری اسطوره‌های شاهنامه، پایان نامه کارشناسی ارشد نقاشی*، دانشکده هنر دانشگاه شاهد، تهران.
- اشپولر، برتولد. (۱۳۸۰). *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- اشرف، احمد. (۱۳۹۵). *هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی*، ترجمه و تدوین حمید احمدی، تهران: نشر نی.
- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۸). *تاریخ مغول*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بلر، شیلا، بلوم، جانانان. (۱۳۸۱). *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- بنداری، فتح بن علی. (۱۳۳۱). *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بنی احمد، احمد. (۱۳۴۶). *راهنمای تاریخ شاهنشاهی ایران*، تهران: انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
- بهروزپور، حسین، امیرحاجلو، سعید. (۱۳۹۷). *نقش و کارکرد نگارگری در مشروعیت مذهبی حکومت ایلخانان*، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۹(۳۳)، ۱۴۳-۱۶۶.
- بویل، ج. (۱۳۷۱). *تاریخ ایران کمبریج*، ترجمه حسن انوشه، جلد پنجم، تهران: امیرکبیر.

این دو رویکرد باعث گردید تا شخصیت جدید فاتحان مغول در نگاه ایرانیان تغییر یابد و ایرانیان با بخشیدن هویت تاریخی به آنها، مغولان را در بین ایرانیان دارای ریشه، اصل و نسب تاریخی معرفی نمایند.

#### ۹- نتیجه‌گیری

مغولان پس از تهاجم به ایران، به علت فرهنگ غنی ایرانی محو این فرهنگ جدید شدند و سعی کردند با نزدیکی با فرهنگ ایرانی نوعی مشروعیت و محبوبیت برای خود ایجاد نمایند و این سیاست در زمینه‌های فرهنگی و هنری به شکل گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفت و ماحصل آن بکارگیری دو رویکرد مستقل جهت ایجاد مشروعیت و محبوبیت قوم مغول در میان ایرانیان بود. این دو رویکرد عبارتند از ۱- توجه به باورهای فرهنگی و قومیتی ایران که با تمایل به تاریخ‌نویسی و شاهنامه‌نگاری و توجه به اساطیر نمود یافت ۲- توجه به باورهای دینی و مذهبی ایرانیان. که با توجه به مذهب و باورهای دینی شکل گرفت و زمینه‌های مختلفی برای ایجاد مقبولیت و مشروعیت ایلخانان ایجاد نمود. از سوی دیگر سیاستمداران، دیوانسالاران و وزیران ایرانی دوره مغول با پی بردن به وجه تشابه بین اساطیر و شاهان ایلخان، سعی داشتند، خود را به فرمانروایان ایرانی نزدیک نمایند و با معرفی مغولان به عنوان جهان‌گشایان عادل و نیکو رفتار، از خونریزی‌ها و وحشیگری‌های قوم مغول بکاهدند تا مغولان حقوق ایرانیان را رعایت نمایند و به ایرانیان احترام بگذارند. ایرانیان با نسبت دادن رفتار جوانمردانه، توأم با گذشت و بخشش به شاهان مغول، آنها را همانند پادشاهان، اساطیر و پهلوانان ایران باستان متعالی جلوه دادند و به آنها جنبه تاریخی بخشیدند و با ایجاد این‌همانی بین پادشاهان مغول و پادشاهان اسطوره‌ای و پهلوانان ایران باستان مشروعیت و محبوبیت آنها را برای حاکمیت بر سرزمین ایران رقم زدند. در کنار این موارد، استفاده از آموزه‌های دینی اسلام و توجه به تشییع و حمایت از نگارگران، باعث رشد مضامین شیعی در این دوره شد و سیمای پیامبر و امامان شیعه با چهره و لباس مغولی برای القای ارتباط حکومت ایلخانان با سلاله پاک پیامبر (ص) مشروعیت و محبوبیت به شاهان مغول

- بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۸۴). *تاریخ بیهقی، تصحیح خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات مهتاب.*
- پاکباز، رویین. (۱۳۷۹). *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: انتشارات زرین و سیمین.*
- پیگولوسکایان، یاکوبوسکی، آ. (۱۳۶۳). *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، چاپ پنجم، تهران: انتشارات پیام.*
- تجویدی، اکبر. (۱۳۵۴). *کتاب آرایه در ایران، مجله هنر و مردم دوره ۵ ش ۴۹ صفحات: ۳۳ تا ۴۳.*
- تقوی، بهاره. (۱۳۹۸). *مطالعه تطبیقی تزئینات هندسی محراب‌های گچ‌بری دوره سلجوقی با محراب‌های گچ‌بری دوره ایلخانی در ایران، مرمت و معماری ایران، سال نهم، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۲۰: ۲۱-۴۰.*
- حسینی، سید محمود. (۱۳۹۲). *شاهنامه بزرگ ایلخانی، تهران: انتشارات عطار.*
- حسینی، سید محمود، داوودی، ابوالفضل، بهیان، شاپور، مرتضوی، سید عبدالرحمان. (۱۴۰۱). *بررسی حضور حکمرانان مغول به هیئت اسکندر در شاهنامه بزرگ ایلخانی، نشریه بنیان‌های حکمی فلسفی هنر ایرانی، سال اول، شماره اول، ص ۶۰-۷۵.*
- حسینی، سید محمود، داوودی، ابوالفضل، بهیان، شاپور، مرتضوی، سید عبدالرحمان. (۱۴۰۲). *«تبیین و بررسی تصویر بهرام گور در نگاره‌های شاهنامه بزرگ ایلخانی»، دوره ۵، شماره ۱، پیاپی ۱۴، ص ۷۶-۸۹.*
- حسینی، صدرالدین ابوعلی بن ناصر بن علی. (۱۳۸۰). *اخبار الدول السلجوقیه، ترجمه رمضان علی روح الهی، تهران: نشر ایل شاهسون بغدادی.*
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین. (۱۳۸۰). *حبیب السیر، تهران: انتشارات خیام.*
- رشیدالدین، فضل الله همدانی. (۱۳۳۶). *تاریخ اجتماعی دوره مغول مشتمل بر بخش سوم از تاریخ غازان خان و مقدمه جامع‌التواریخ و زندگانی رشیدالدین فضل‌الله به فلم خودش، بکوشش امیرحسین جهانبگلو، اصفهان: کتاب فروشی تأئید.*
- رضی، هاشم، (۱۳۸۱). *دانشنامه ایران باستان، عصر اوستایی تا پایان دوره ساسانی، تهران: انتشارات سخن.*
- رهنورد، زهرا. (۱۳۸۶). *تاریخ هنر ایران دوره اسلامی، نگارگری، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.*
- زهدی، محمد، فرخ‌فر، فرزانه. (۱۳۹۷). *«تحلیل ویژگی‌های مضمونی- بصری و ساختاری در محراب‌های زرین فام دوره ایلخانی»، تاریخ و فرهنگ، دوره ۵۰، شماره ۱- شماره پیاپی ۱۰۰، بهار و تابستان ۱۳۹۷: ۹-۵۰.*
- ساجدی، عبدالله، خسروبیگی، هوشنگ. (۱۳۹۸). *مسئله مشروعیت در حکومت‌های ترک تبار (غزنویان تا خوارزمشاهیان)، تهران: انتشارات ندای تاریخ.*
- سلیمانی کوشکی، محمود رضا، طاهری، صدرالدین، صابر، زینب. (۱۳۹۸). *«تحلیل روایت‌شناختی نگاره «بر تحت نشستن اسکندر» در شاهنامه بزرگ ایلخانی بر پایه الگوی نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر»، روایت‌شناسی، دوره ۳، شماره ۶، آذر ۱۳۹۸، ص ۲۹۲-۲۶۱.*
- سودآور، ابوالعلاء. (۱۳۸۰). *هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمد شمیرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات کارنگ.*
- سیمپسون، مرینا شیرر. (۱۳۸۸). *شاهنامه در مقام متن و شاهنامه در مقام تصویر، از مجموعه زبان تصویری شاهنامه، ترجمه سید داود طبایی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.*
- شکرپور، شهریار، طاووسی، محمود، قوچانی، عبدالله. ۱۳۸۸. *«بازتاب رهیافت‌های فرهنگی و اجتماعی عصر ایلخانان بر کاشیهای زرین فام تخت سلیمان»، نشریه نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، دوره ۶، شماره ۱۱، ص ۵۳ تا ۶۶.*
- شکفته، عاطفه. (۱۳۹۴). *«مضمون کتیبه‌های قرآنی در محراب‌های گچی عصر ایلخانان، پژوهش‌های معماری اسلامی»، شماره هشتم، سال سوم، ص ۱۰۴-۱۲۳.*
- شمسی، سیما. (۱۳۹۵). *«تحلیل الگوی کسب مشروعیت ایلخانان بر اساس داده‌های منقول باستان‌شناسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد.*
- شمسی، سیما، شاطری، میترا، احمدی، عباسعلی. (۱۳۹۷). *«تحلیل فرآیند مشروعیت‌سازی بر سکه‌های ایلخانی بین سال‌های ۶۵۷-۷۳۶ هجری قمری»، جستارهای تاریخی، دوره ۹، شماره ۲، شماره پیاپی ۲، دی ۱۳۹۷، ص ۹۳-۱۲۱.*

### منابع اینترنتی

- URL1: <https://mkeshmiri.blogsky.com/1398/10/05/post-86>
- URL2: <http://iraniantravel.blogfa.com/post/547>
- URL3: <https://www.cgie.org.ir/fa/article/224657/%DA%86%D8%A7%D9%84%E2%80%8C%D8%AA%D8%B1%D8%AE%D8%A7%D9%86>
- URL4: <https://mkeshmiri.blogsky.com/1398/10/05/post-86>
- URL5: <https://mkeshmiri.blogsky.com/1398/04/26/post-71/>
- URL6: [https://www.google.com/imgres?imgurl=https%3A%2F%2Fwww.cgie.org.ir%2Fuploads%2Fnews%2F2018%2F7%2F4\(50\).jpg&tbnid=hSIHZe74pOrJVM&vet=12ahUKEwjZyYmXqp-](https://www.google.com/imgres?imgurl=https%3A%2F%2Fwww.cgie.org.ir%2Fuploads%2Fnews%2F2018%2F7%2F4(50).jpg&tbnid=hSIHZe74pOrJVM&vet=12ahUKEwjZyYmXqp-)
- URL7: <https://google.com/imgres?imgurl=https%3A%2F%2Fmore-mirrors.imgix.net%2Fu%2Fwp->
- URL8: [https://www.google.com/imgres?imgurl=https%3A%2F%2Fwww.cgie.org.ir%2Fuploads%2Fnews%2F2017%2F11%2F6\(1\).jpg&tbnid=ErieKIk16p3uOM&vet=12ahUKEw-jFi6q9p5-](https://www.google.com/imgres?imgurl=https%3A%2F%2Fwww.cgie.org.ir%2Fuploads%2Fnews%2F2017%2F11%2F6(1).jpg&tbnid=ErieKIk16p3uOM&vet=12ahUKEw-jFi6q9p5-)
- URL9: <https://www.google.com/search?q=%D8%AA%D8%B5%D9%88%DB%8C%D8%B1+%D9%85%D8%B3%D8%A7%D8%AC%D8%AF+%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87+%D8%A7%DB%8C%D9%84%D8%AE%D8%A7%D9%86%DB%8C+%D8%AF%D8%B1+%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86+&tbnid=isch&ved=2ahUKEwi8z8f7koWCAX-WRmicCHW3RCIYQ2-cCegQIABAA&ooq>
- URL10: <https://islamiccoins.ancients.info/Ikhanids/Ikhanids.htm>
- عکاشه، ثروت. (۱۳۸۰). *هنر اسلامی*، ترجمه سید غلامرضا تهامی. تهران: انتشارات حوزه هنری.
- کرتیس، وستا سرخوش. (۱۳۹۵). *اسطوره های ایرانی*، ترجمه عباس مخبر، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات مرکز.
- گرابر، اولگ. (۱۳۹۰). *مروری بر نگارگری ایرانی*، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- لمبتون، آن. (۱۳۵۹). *نظریه های دولت در ایران*، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران: نشر کتاب آزاد.
- محسنی، حسین، آذری نیا، حمید رضا. (۱۴۰۲). «بازتاب تبار مشروع خلافت در سکه های قرن دوم هجری»، *تاریخ و تمدن اسلامی*، سال ۱۹ شماره ۴۲، ص ۳-۳۶.
- مددپور، محمد. (۱۳۸۳). *آشنایی با آرائی متفکران در باب هنر*، چاپ اول، تهران: انتشارات سوره مهر.
- مسعودی، علی ابن حسین. (۱۳۷۴). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه الف، پاینده، ویرایش پنجم، جلد اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ناظری، افسانه، بختیاری فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۵). «مسئله هویت در عهد ایلخانی مطابق با الگوی کاستلز» *مطالعه موردی تحلیل گفتمان خواجه نصیرالدین طوسی*، *پژوهش های علوم تاریخی*، دوره ۸، شماره ۸، بهار و تابستان، ص ۱۱۵-۱۳۴.
- نیکخواه، هانیبه، خزایی، محمد، حاتم، غلامعلی، نیستانی، جواد. (۱۳۹۲)، «واکاوی رازهای تداوم هزارساله تصویر بهرام گور و آزاده»، *نامه هنرهای تجسمی*، شماره ۹، بهار و تابستان، ص ۱۹-۳۵.
- نیولی، گاردو. (۱۳۸۷). *آرمان ایران، جستاری در خاستگاه نام ایران*، ترجمه سید منصور سید سجادی، تهران: موسسه فرهنگی و هنری پیشین پژوه (اسطوره).
- Blair, s. Bloom, j. 2009. *Strucco and plasters in Islamic lands*, Oxford University press.
- Barthold, V.V. & J.M. Rogers. (1970). *the Burial rites of The Tourks and The Mongols*. *Central Asiatic Journal*. 14(1/3), 195-227.
- Hillenbrand, R. (2002) *The Art Of Book in Ilkhanid Iran*. New York: Metropolitan Museum Of Art.
- Sims, E. et al. (2002). *Peerless images: Persian painting and its sources*.
- Yale University Press.

## Investigating the Visual Elements Influencing the Mongols' Quest for Legitimacy in Ilkhanid Art

Seyyed Mahmoud Hosseini Deh Miri<sup>1</sup>, Zahra Bagherzadeh Kohbanani<sup>2</sup>, Nazanin Zahra Sadat Hosseini<sup>3</sup>

1- PhD in Art Research, Lecturer at Farhangian University of Isfahan, Shahid Bahonar Pardis, Isfahan, Iran.  
(Corresponding Author)

2- Senior Expert, Teacher of Education in Isfahan.

3- BA Painting Student of Bahonar University, Kerman, Iran.

DOI: 10.22077/NIA.2025.7511.1843

### Abstract

The Mongol conquest of Iran inflicted significant damage on Iranian culture and civilization. The fear and terror generated by the Mongol massacres lingered for many years, leaving behind an image of the Mongols as ruthless. After overcoming their opponents by force of arms, they were compelled to implement policies that would ensure their legitimacy and acceptance. They employed various methods to achieve their goals, which led to social and political stability during this period. The aim of this research is to examine the various visual factors that the Ilkhanids utilized to legitimize themselves during this era. The main question of this research is: How, and using what visual strategies, were the Mongols accepted into Iranian culture and able to gain the necessary legitimacy to rule over Iranians? The method of this research is descriptive-analytical and is conducted using library resources. The findings of the research indicate that the legitimization of the Ilkhanids mainly took place in the form of two approaches: attention to religious values and cultural beliefs.

**Key words:** Legitimacy, Ilkhanid Art, Mongol Art, Ilkhanids, Political and Social Conditions.

---

1- Email: smhdehmiri@yahoo.com

2- Email: Z\_bagherzadeh1987@gmail.com

3- Email: nazaninhosseini246@gmail.com